

OCTOBER

۷۰

اکتبر

دبیر کمیته کردستان: حسین مراد بیگی (حماه سور)

۷ دی ۱۳۸۴ ۲۸ دسامبر ۲۰۰۵

سر دبیر: عبدالله شریفی

اعتصاب روز یکشنبه نمی بایست متوقف میشد!
نبرد سندیکای شرکت واحد با رژیم میتواند همه چیز را عوض کند!

کارگران شرکت واحد به جرم تشکیل سندیکا و سازماندهی اعتصاب دستگیر شدند. با دستگیری آنها سندیکای کارگران شرکت واحد در اطلاعیه ای در روز ۲ دیماه در یک اقدام شجاعانه اعلام اعتصاب تا آزادی همه دستگیر شنگان نمود. روزهای جمعه و شنبه تعداد زیادی از کارگران شرکت واحد دست به تحصن برای آزادی همکاران و رهبران سندیکای خود زدند. روز یکشنبه اعتصاب کارگران شرکت



محمود قزوینی

روز پنجشنبه اول دیماه جمعی از رهبران و فعالین سندیکای

صفحه ۳

گفتگوی اکتبر با حسین مراد بیگی (حماه سور)
دبیر کمیته کردستان حزب حکمتیست، راجع به نشست دوم شورای کادرهای تشکیلات کردستان حزب



تشکیلات کردستان حزب را بر این مینا، تصویب میکنند و اجرای آن را به کمیته کردستان حزب که اعضای شورای کادرها در این نشست آن را انتخاب میکنند، وگذار میکنند. در نشست شورای کادرها علاوه بر کادرهای تشکیلات کردستان، جمع زیادی از دوستان و دوستان حزب بعنوان مهمان دعوت شده و شرکت میکنند و در وقتی که به

شورای کادرهای تشکیلات کردستان محل سیاست گذاری کادرهای تشکیلات کردستان حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست است. این نشست هر سال یک بار برگزار میشود و در آن کادرهای تشکیلات کردستان حزب در مورد آخرین تحولات سیاسی در ایران و کردستان ایران تبادل نظر میکنند و سیاست و خطوط کار و اولویتهای آتی

اکتبر:

در روزهای ۱۷ و ۱۸ دسامبر ۲۰۰۵ نشست دوم شورای کادرهای تشکیلات کردستان حزب حکمتیست برگزار شد. این نشست به چه هدف و چرا برگزار شد؟ ثانیاً، شما در سخنرانی افتتاحیه خود در این نشست، این نشست را نشست گارد آزادی نام گذاشتید، میتوانم سوال کنم چرا؟
حماه سور:

خوشخدمتی به حساب ما موقوف!

حق ندارند خوشنامی جنبش کمونیستی ما را مایه خوشخدمتی خودشان قرار دهند. و باز چون برای ثبت در تاریخ است خاطر نشان میکنم که من در حال حاضر تعلق تشکیلاتی به هیچ حزبی ندارم.



مصالح شیخ (ریبار)

ایشان در "بخش دوم" نوشته شان چوب حراج به کل مبارزه کمونیستی زده و در تمجید دمکراسی ارمنی امپریالیستها، از جمله نوشته اند: این درحالیست که نیروهای ناسیونالیست کرد که ایشان و سازمانشان را پناه داده اند هرروزه به ابتدایی ترین حقوق مردم تعرض میکنند (از جمله به گلوله بستن قرارگاه مخالفینشان در هفته های اخیر در رسانه ها منعکس شد) به علاوه، هرروز یک افتضاح جنید در مورد شکنجه و زندانهای مخفی امپریالیستهای حامی آنان در روزنامه های خود

صفحه ۴

شعب زکریایی بخش دیگری از نقد خود از تاریخنگاری حسین مراد بیگی را باز وسیله خوشخدمتی در قبال نیروهای ناسیونالیست و اربابان جنگ افروزشان قرار داده است. منم به عنوان یک فعال اصلی آن مقطع تاریخی و یک شاهد زنده میخوام، برای ثبت در تاریخ، نکاتی را خاطر نشان کنم. میخوام بار دیگر از این فرصت استفاده کنم و اعلام کنم که ایشان بهیچوجه

امروز سه شنبه 6/10/84 مردمی که در شهر سنندج، خانه هایشان تخریب شده بود دست به تحصن زدند!

به او ابلاغ شده است اجرا کرده است، شما هم باید برای پیگیری خواسته هایتان وکیل بگیرید و از شهرداری شکایت کنید و یا به تهران رفته و آنجا مسائل تان را پی بگیرید! این جانیان دیگر به سر نواندن مردم عدالت کرده اند و به راحتی به سفره و مسکن مردم گرسنه و بی دفاع و حشبانه یورش برده و سرشان می نوانند. خصلت ضد انسانی این رژیم روز به روز آشکار تر می شود. باید به این تعرضات پاسخ داد. مردم شهر سنندج باید یکپارچه و در صفوفی متحد در برابر این نا عدالتی های آشکار بایستند و تعرضات این جانیان را پس بزنند. یورش و دست درازی به امنیت و آسایش و مسکن و سفره مردم محکوم است و باید به این وضع پایان داد.

فرهاد محسنی

خیابات را از لائل و لوباش اطلاعاتی و نیرو انتظامی پر کرده و مردم بی دفاع و بی مسکن را محاصره کردند. در آغاز استانداری هیچ توجهی به این تجمع نکرد اما بلاخره مردمی که بی مسکن شده اند و آب از سرشان گذشته با دامنه تحسن خود، مقامات استان را وادار به مذاکره کردند. ساعت ۱۱:۳۰ سه تن از نمایندگان متحنین برای مذاکره با معاون سیاسی امنیتی استاندار به نام سپهر که در تمام رویاروییها با اعتراضات مردمی حضور دارد، وارد استانداری شدند. مذاکره تا ساعت ۱:۳۰ ظهر ادامه داشت و هیچ جوابی به مردم داده نشد. مقامات استانداری گفته بودند که این طرح در مجلس توسط نماینده های خود شما تصویب شده است که خانه های حاشیه شهر و خارج از محدوده باید تخریب شوند و شهرداری سنندج فقط حکمی را که



(فرهاد محسنی)

یکشنبه شب ساعت ۱۲ مامورین نیروی انتظامی و شهرداری شهرستان سنندج خانه های حدود ۱۰۰ خانواده را در انتهای محله فیض آباد این شهر رویروی پمپ بنزین، تخریب کردند. خانواده هایی که خانه هایشان ویران شده بود در اعتراض به این وضع، امروز از ساعت ۹:۳۰ صبح در مقابل استانداری دست به تحسن زدند. طبق معمول ورود خبر نگاران را ممنوع کرده و

رفیق عماد هتاوی در گذشت!
با تأسف فروان خبر مرگ ناگهانی و نا به هنگام رفیق عماد هتاوی را دریافت کردیم. رفیق عماد هتاوی عضو حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
شب یکشنبه ۲۵ دسامبر در شهر پیتو شمال سوئد در سن ۲۸ سالگی بطور ناگهانی درگذشت.
نشریه اکتبر درگذشت این عزیز را به خانواده، بستگان، دوستان و حزب حکمتیست تسلیت میگوید.

گروه های گارد آزادی را تشکیل دهید!
به گارد آزادی بپیوندید!



آزادی، برابری، حکومت کارگری!

هیچ وجه عملیات نظامی نیست، میتوانند فضای سیاسی را دیکتاتورانه محله را در کنترل خود داشته باشند. در کردستان اما وظایف گارد آزادی میتواند از گشت های سیاسی - نظامی تا دسته های سازمانده تا حفظ حضور علنی رهبر آن حزب در میان مردم و تا تشکیل واحدهای نظامی کوچک و بزرگ را شامل شود. اساس مساله در کردستان این است که ما باید هم در مقابل جمهوری اسلامی قدرت دفاع از خود را داشته باشیم و هم در مقابل احزاب ناسیونالیست کرد که با بهم خوردن تناسب قوا میان مردم و جمهوری اسلامی بلافاصله از بالای کوه به شهرها سرزیر شده و بر زندگی مردم چنگ میاندازند، قدرت دفاع از خود را داشته باشیم و احدهای گارد آزادی باید این قابلیت را داشته باشند که قبل از سرزیر شدن نیروی مسلح احزاب ناسیونالیست که بطور قطع با هر درجه از فروپاشی جمهوری اسلامی اتفاق میافتد، باید به مراتب قوی تر وسیع تر از نیروی آنان به میدان بیایند. واضح است که باید بیابانه ها و آیین نامه و استراتژی و تاکتیک آن به تدریج و در انطباق با شرایط و اوضاع و احوالی که گارد آزادی در آن عمل میکند نوشته شده و معلوم شود.

در محل است و به تدریج و بمحض جا افتادن زیر اتوریته سازمان حزب در محل هدایت میشود. نیروی گارد آزادی در محیط زندگی توده کارگر و مردم زحمتکش و دیگر مردم آزادیخواه نضج میگیرد و از میان مردم و جامعه بر میخیزد. تشکیل گارد آزادی سازمان دادن مبارزه مسلحانه یک عده روشنفکر از سر استیصال در ایران نیست، ابزار اطمینان و اعمال اراده مردمی است که جمهوری اسلامی را میاندازند و شرایط بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی را که حفظ منبیت جامعه است در این پروسه تضمین میکنند. گارد آزادی این تضمین ما و مردم سرنگونی طلب را به جامعه میدهد. ابزار اراده مردم قیام کننده در مقابل نیروهای سناریوی سیاهی و کنترل سریع اوضاع در محلات و عقب راندن هر نیروی اسلامی و قومی و گنگستر نظامی است که خواهد آزادی و امنیت مردم را سلب و شیرازه مدنی جامعه را از هم به پاشند. اهرم و ابزار قدرت و حفظ فعالیت کمونیستی و فعالیت آزادیخواهانه در پروسه سرنگونی جمهوری اسلامی است. در داخل کردستان وظایف گارد آزادی فعلا از دیگر نقاط ایران متفاوت است. در خارج کردستان واحدهای گارد آزادی میتوانند فعلا مسلح نباشند چون وظایف آنها به

کادرهای تشکیلات کردستان حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست بود. به حزب و جامعه این تعهد را بدهند که این الویتها را به سرانجام میرسانند. من این نشست را به این دلیل نشست گارد آزادی نام نهادم که معمولا کنگره ها و پلنوم های احزاب سیاسی با تصمیمات و یا پیام معینی تداعی میشوند. من هم میخواسم که این نشست یا گارد آزادی تداعی شود. یعنی هر وقت از این نشست نام می برند گارد آزادی را تداعی کنند و یا بر عکس هر وقت از گارد آزادی نام می برند از نشست نوم شورای کارهای تشکیلات کردستان حزب حکمتیست نام ببرند. نشستی که در آن شورای تشکیلات کردستان حزب خطاب به حزب و جامعه منعقد شدند که گارد آزادی را در ابعاد وسیعی تشکیل دهند و همه نیرو و توان خود را برای گسترش آن به کار اندازند. که اجازه ندهند که کردستان به جولانگاه نیروهای قومی و مذهبی و گنگسترهای نظامی سناریوی سیاهی تبدیل شود. که کردستان را به سنگر کمونیسم و انقلاب آتی در ایران تبدیل کنند. گارد آزادی پیام آور آزادی و نیروی تضمین کننده امنیت و زندگی و آزادی مردم قیام کننده علیه جمهوری اسلامی در مقابل نیروهای سناریوی سیاهی است.

اکتبر:

شما بدست از گارد آزادی بعنوان بازوی مسلح حزب و مانع سناریوی سپاه در جامعه ایران صحبت کردید، کلا این نیرو در سبک و روش و سازماندهی خود چه فرقی با بقیه نیروهای مسلح مثلا چریکی و نیروی پیشمرگ ناسیونالیسم کرد دارد؟

حمه سور:

گارد آزادی نیروی محاصره شهرها از طریق دهات نیست، هسته های مسلح چریکی و نیروی پیشمرگ در سنت نظامی ناسیونالیسم کرد نیست. نیروی است کاملا متفاوت از اینها با شیوه ها و روشهای مربوط به خودش. گارد آزادی چه در کردستان و در دیگر نقاط ایران اساس کارش مقابله با خطر سناریوی سپاه در ایران است. وظیفه اش مقابله با این نیروها و تضمین کننده حفظ منبیت جامعه در مقابل داروخته های اسلامی و قومی و گنگسترهای نظامی است که از هم اکنون و قبل از سرنگونی جمهوری و چه در پروسه سرنگونی رژیم اسلامی وظیفه خود را عریضه کردن و یوگسلاویزه کردن جامعه ایران قرار داده اند. به این دلیل شیوه و روش کارش ارتباط تنگاتنگی با کنترل محله دارد و در محله است که ابراز قدرت میکند. گارد آزادی کاملا تحت اتوریته سازمان حزب

آنان داده میشود نظرات و پیشنهادات خود را در مورد مسائل متنوع از جمله سیاستها و مسائلی که تشکیلات کردستان حزب در دستور خود قرار میدهد، با شور و شوق دخالت و اظهار نظر کرده و به آن به مثابه مساله اهداف مورد نظر خود نگاه میکند. امسال نیز به رول همیشگی و هر ساله، نشست شورای کادرهای تشکیلات کردستان حزب برگزار شد. مساله دیگری که برگزاری این نشست را ضروری ساخت اوضاع جدید و وظایف جدیدی بود که در پلنوم سوم، پلنوم اخیر حزب که در اکتبر سال جاری برگزار شد. اعضای شورای کادرها لازم بود که با رهبری حزب هم خط و هم نظر شوند و به خطیر بودن اوضاع فعلی و وظایفی که بر نوش حزب و بویژه تشکیلات کردستان حزب و جایگاه کردستان در آینده کمونیسم و چپ در ایران پی برده و پیشبرد وظایف ضروری این دوره را به حزب متعهد شوند. هم نظر کردن اعضای شورای کادرهای تشکیلات کردستان حزب با سیاستهای رهبری حزب در پلنوم اخیر و بویژه تشکیل گارد آزادی که اساسا بر عهده تشکیلات کردستان حزب و اعضاء شورای کادرهای تشکیلات کردستان می افتد از دیگر دلایل برگزاری هر چه سریعتر نشست نوم شورای

ترجمه متن کامل نامه کنفدراسیون اتحادیه های آزاد کارگری که توسط حزب حکمتیست صورت گرفته است

من از شما میخوام که مقامات قضایی و پلیس امنیتی جمهوری اسلامی دست از سر اتحادیه های مستقل کارگری برداشته و آقای "منصور اسنلو" و دیگر فعالین کارگری دستگیر شده را آزاد کنند و کلیه اتهامات وارده بر فعالین کارگری شهر سقز را نیز لغو نمایند.

مادامیکه فشار دولت شما به جنبش اتحادیه ای آزاد کارگری ادامه داشته باشد کشور شما مورد اعتراض و انتقاد شدید جامعه اتحادیه ای جهانی قرار خواهد گرفت.

من منتظر اقدامات فوری شما در این مورد هستم.

ارادتند شما رئیس کنفدراسیون اتحادیه های آزاد کارگری

رونوشت:

LIO - رابرتو

منوچهر منکی، وزیر امور خارجه

www.hekmatist.com

Tel: (44) (0) 783 037 9526

email: mail@hekmatist.com

آقای محمود احمدی نژاد رئیس جمهور

درباره دستگیری رهبران اتحادیه

شرکت واحد تهران

محمد عدی، محسن حکیمی و برهان دیوارگر) که به زندانهایی از 2 تا 5 سال در دادگاه سقز محکوم شده اند. آقای رئیس جمهور!

در اینجا یادآور میشوم که درست 1 سال قبل در همین زمان یعنی 25 دسامبر که یک روز تعطیلی در اکثر کشورهای دنیا است، محاکمه همکار و برادرمان "برهان دیوارگر" در شهر سقز در جریان بود. اکنون یکبار دیگر جمهوری اسلامی همین زمان را برای حمله به جنبش اتحادیه ای انتخاب کرده است که این برای جامعه بین المللی قابل چشم پوشی نیست.

آقای رئیس جمهور!

ICFTU، اعضای آن در سراسر جهان ادامه حمله به اعضای سندیکای شرکت واحد و دیگر فعالین اتحادیه ای و کارگری را قویا" محکوم میکند. عضویت در اتحادیه کارگری از حق و سازمان دادن تشکل مستقل کارگری از حقوق پایه ای کارگران است. حقوقی که از سوی کنوانسیون بین المللی سازمان جهانی کار ILO به رسمیت شناخته شده است و جمهوری اسلامی نیز به آن متعهد شده است.

2005 حملات مشابهی از جمله با کوکل مولوتف به دفتر اتحادیه که در محل انجمن کارگران خباز قرار داشت صورت گرفت.

ما اطلاع داریم، علی رغم این فشارها سندیکای شرکت واحد مجمع عمومی خود را با شرکت 8 هزار نفر از 17 هزار کارگر این شرکت، در سوم ژوئن 2005 برگزار و رهبری تشکل را انتخاب نمود.

فعالین سندیکای شرکت واحد علاوه بر اینها فشارها و مشکلات بیشتری را متحمل شده اند. رانندگان شرکت واحد اتوبوسرانی تهران در اعتراض به عدم پرداخت حقوقهای معوقه و بهتر شدن شرایط کار کارگران چراغ ماشینهایی خود را روشن کردند. این اعتراض هم با دستگیری و فشار بیشتر بر آنها مواجه شد و خواستهها و مطالبات کارگران تاکنون بی جواب مانده است. علاوه بر اینها دستگیری فعالین اتحادیه ای در جریان اعتصابات سال 2005 همچنان ادامه داشته است. از جمله 5 فعال اتحادیه ای شرکت کننده در مراسم ماه مه 2004 در شهر سقز (محمود صالحی، جلال حسینی،

شرکت را به یک اعتصاب عمومی در روز یکشنبه 25 دسامبر فراخواند. طبق گزارشات رسیده، اکثر دستگیر شدگان بعد از اعتصاب کوتاه کارگران آزاد شده اند بجز آقای "منصور اسنلو" که هنوز در بازداشت بسر میرود. متعاقبا اخبار دستگیری تعداد دیگری از فعالین سندیکایی به ما رسیده است. ICFTU "قویا" دستگیری کارگران شرکت واحد را محکوم کرده و خواستار به رسمیت شناختن حقوق اتحادیه ای آنان و آزادی همه دستگیر شدگان اتحادیه ها در تهران و سایر شهرهای ایران است. ICFTU همچنین خاطر نشان میکند که سندیکای شرکت واحد قبلا هم بارها توسط پلیس امنیتی مورد حمله قرار گرفته است. در نهم ماه مه 2005 حدود 300 نفر از مامورین امنیتی و لباس شخصی و از اعضا و مدیران خانه کارگر و شورای اسلامی کار به سندیکای شرکت واحد حمله کرده و هیات موسس اتحادیه از جمله "منصور اسنلو" و تعداد دیگری را زخمی و راهی بیمارستان کردند. همچنین در 13 ماه مه و اول ژوئن

www.hekmatist.com

Tel: (44) (0) 783 037 9526

email: mail@hekmatist.com

آقای محمود احمدی نژاد رئیس جمهور

درباره دستگیری رهبران اتحادیه

شرکت واحد تهران

کنفدراسیون اتحادیه های آزاد کارگری

ICFTU به نمایندگی 155 میلیون

کارگر در 154 کشور جهان نگرانی

شدید خود را در رابطه با بازداشت

آقای "منصور اسنلو" رهبر سندیکای

کارگران شرکت واحد تهران و 13

عضو دیگر آن در 22 دسامبر 2005

، اعلام میدارد.

طبق اطلاعاتی که به ما رسیده است،

این فعالین اتحادیه ای توسط پلیس و با

حکم قضایی مرتضوی دانستان تهران

دستگیر شده و به زندان لوین که به

شکجه گاه زندانبان سیاسی مشهور

است منتقل شده اند. همچنین سندیکای

آنها از سوی دولت غیر قانونی اعلام

شده است.

درواکش به این دستگیریها و همچنین

برای افزایش حقوق و مزایا و...

سندیکای شرکت واحد، کارگران این



اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است

اعتصاب روز یکشنبه ... از ص ۱

واحد در سطح نسبتاً خوبی آغاز شد. رژیم برای جلوگیری از گسترش دامنه اعتصاب و پیوستن و حمایت بخشهای دیگر کارگران و مردم به آنها، به سرعت دست به یک ترفند زد. تقریباً تمامی رهبران سندیکا به جز آقای اصائلو دبیر سندیکا را آزاد نمود و با کنار گذاشتن صاحب قلم مدیر شرکت واحد اتوبوسرانی تهران، شرکت واحد را زیر مسئولیت شورای اسلامی شهر تهران اعلام نمود و قالیباف چهره شناخته شده در جنایت و قمار بندی شرکت واحد را به عنوان شهردار تهران زیر نظر گرفت. قالیباف در جمع چهار هزار کارگر شرکت واحد در عصر روز یکشنبه حضور پیدا کرد و وعده داد که به خواسته های کارگران شرکت واحد مبنی بر آزادی اصائلو و همه دستگیر شدگان و بازگشتی در سندیکا پاسخ مثبت میدهد و تا روز پنج شنبه برای اجرای این خواسته ها از کارگران مهلت گرفت. با این قول و قرار کارگران اعتصاب را موقتاً خاتمه دادند. البته نه این قول و قرارها به روشنی بیان شدند و نه به طور کتبی نوشته و امضا شده است.

رژیم جمهوری اسلامی با دستگیری رهبران و فعالین سندیکای شرکت واحد و اعلام انحلال آن و قفل و مهر و موم کردن دفتر سندیکا وارد یک نبرد حیاتی با کارگران شرکت واحد شد. با اعتصاب کارگران شرکت واحد در پاسخ به رژیم در روز یکشنبه، در شیور نبرد از طرف کارگران نمیده شد. کارگران نشان دادند که ترسی از نیروهای سرکوبگر رژیم در دل ندارند و حاضرند برای حق و حقوق خود مقاومت به خرج دهند. رژیم که دید نه دستگیری رهبران ترسی به دل کارگران راه داده است و نه تهدیدهای آن، سراسیمه به وسائل دیگر متوسل شد. ابتدا سعی کرد اعتصاب کارگران را با به راه انداختن وسائل حمل و نقل نیروهای نظامی و با بسیج تمام نیروهای برای کم اثر جلوه دادن

واقع نشان ضعف بی نهایت رژیم در مقابل اعتصابیون بود. اما برخی از رهبران با ندیده گرفتن این موقعیت، حاضر شدند قول و قرار قالیباف جنایتکار را بپذیرند و اعتصاب را خاتمه دهند. وظیفه ای مهم به دوش فعالین و رهبران کارگری شرکت واحد افتاده است. برخی از رهبران کارگران شرکت واحد از همین حالا هم از مهلت پنج شنبه و اعتصاب چیزی نمیگویند و در عوض میخواهند کارگران به وعده و وعیدهای رژیم ایمان داشته باشند. وجود دیدگاههایی که آماده



سازی کارگران برای اعتصاب را با سد و مانع در صف خودیها مواجه کند، شروع اعتصاب دوباره در روز پنج شنبه را دشوارتر میسازد. طبق گزارشات، به آقای اصائلو اتهامات گوناگونی زدند که هر کدام از آنها برای زندانی کردن طولانی او و انحلال سندیکا کافی است. فقط با یک حمایت قاطع از آقای اصائلو و شروع اعتصاب برای آزادی فوری او راه حل واقعی است. دلخوش کردن به مواعید قالیباف فقط شکست و از دست دادن همه چیز را تضمین میکند.

نه تنها فعالین و رهبران سندیکا، بلکه فعالین کارگری بخشهای دیگر و حتی دانشجویانی که بیدریغ از این کارگران حمایت کردند میتوانند در روند این حرکت تاثیر مهم و سرنوشت سازی بازی کنند. این فعالین و رهبران باید تا پنج شنبه کارگران را برای اعتصاب آماده نگه دارند و این آمادگی را افزایش و گسترش دهند. سازماندهی پر قدرت تر اعتصاب و حمایت بخشهای دیگر طبقه کارگر باید در دستور کار فعالین و رهبران کارگری باشد. حتی اگر روز پنج شنبه مسئله روشن نشود، باید آمادگی را حفظ نمود. باید در مقابل کسانی که تهدید اعتصاب را از بالای سر مدیریت شرکت واحد و

این اقدام هیات مدیره سندیکا نشان میدهد، رهبران سندیکا بر دولتیهای برخی از رهبران سندیکا چیره شدند و متحدان خواهان پیگیری خواسته های خود میشوند. فقط چنین روشی به همراه داشتن تهدید اعتصاب بالای سر رژیم و شروع مجدد اعتصاب در روز پنج شنبه میتواند هم اصائلو و بقیه را از چنگ رژیم نجات دهد و هم دست درازی به سندیکا را با قدرت منکوب کند.

اعتصاب کارگران شرکت واحد تا همینجا نیز وزن و اهمیت طبقه کارگر را به همه مردم و طبقات دیگر در مبارزه برای آزادی و برابری گوشزد کرده است و طبقه کارگر اهمیت سلاح خود یعنی اعتصاب را هم به طبقه خود و هم به جامعه و دولت و طبقه سرمایه دار نشان داده است. همه قدرت کارگر را در پیش چشم خود دیدند. لگر اعتصاب دوباره آغاز شود و با قدرت عمل شود به سرعت به

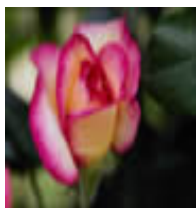
پیروزی خواهد رسید. پیروزی کارگران شرکت واحد میتواند همه چیز را در ایران عوض کند. تحمیل شکل مستقل کارگری جزء اولین و مستقیم ترین تبعات این پیروزی است. با آزادی اصائلو و دیگر رهبران و فعالین سندیکا، توجیهی جهت احکام زندان فعالین کارگری سقر باقی نمیمانند و فعالیت کارگری نمیتواند جرم تلقی شود و این بر آزادی بیان و تشکل در جامعه تاثیر پایدارتر میگذارد. پیروزی کارگران شرکت واحد، رژیم را در معرض به کارگران و مردم بسیار ضعیف و درمانده میسازد. برای همین طبیعی است که با پیروزی کارگران شرکت واحد جنبش کارگری ایران در سطح دیگر به میدان بیاید و دوره تشکل یابی و تعرض کارگری آغاز شود و طبقه کارگر در محور مبارزه برای سرنوشت رژیم قرار گیرد. بعد نیست دو باره مانند سال 57 شعار کارگرفت (بگو شرکت واحد) ما، رهبر سرسخت ما سر زبانتها بیافتد.

قالیباف و نیروهای امنیتی رژیم بر میدارند ایستاد و آنها را ایزوله نمود. هیچ چیزی از این واضحت نیست که در صورت دور انداختن تهدید اعتصاب و اعتصاب نه تنها سندیکای کارگران بر باد میرود، بلکه اصائلو در زندان میماند و سپس پس از اینکه آنها از آسیب افتاد بقیه فعالین و رهبران کارگری هم روانه زندان میشوند و رژیم در یورش به بقیه بخشهای طبقه کارگر و مردم آسان تر عمل میکند.

فعالین و رهبران کارگری باید بدانند که رژیم در وضعیتی نیست که بتواند در مقابل آنها کاری از پیش ببرد. شهری 17 میلیونی و کشوری 70 میلیونی پشت سر کارگران شرکت واحد ایستاده است. کارگران قدرت خود و ضعف رژیم را را در همان اعتصاب یکروزه خود دیدند و باید این مشاهده خود را پایه تاکتیک خود قرار دهند.

آخرین خبرها در رابطه با سندیکای شرکت واحد حاکی از آن است که هر چند نه نفر از دستگیرشدگان اولیه آزاد شده اند، اما هنوز شش نفر از اعضای هیات مدیره سندیکای زندانی و زیر بازجویی قرار دارند. اسامی کارگران زندانی، منصور اسائلو، غلامی (دبیر سندیکا)، رضوی، سلیمی، کفایتی و تریان است. در بازجویی های حدود سی نفر از دستگیرشدگان اخیر، عمدتاً در باره سفر منصور اسائلو رئیس هیات مدیره سندیکا به خارج از کشور و اتهام خریداری و حمل سلاح از کردستان به تهران سوالاتی شده است. روشن است که پرونده سازی سنگینی علیه منصور اسائلو در جریان است. بنابر گزارش ها، نیروهای امنیتی و اطلاعاتی در صدد هستند وی را به اتهامات بی اساس مجرم اعلام کرده و به این ترتیب سندیکای شرکت واحد را غیرقانونی اعلام کنند.

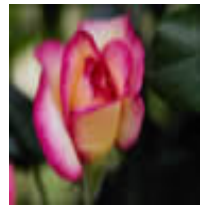
امروز سه شنبه 6 دیماه قالیباف شهردار تهران، از هیات مدیره سندیکا خواسته است هفت نفر را جهت مذاکره به دفتر وی معرفی کنند، هیات مدیره سندیکا، شرط مذاکره را آزادی کارگران زندانی اعلام کرده است.



اکتبر فرا رسیدن سال ۲۰۰۶ را به شما

تبریک میگوید،

ما برای شما سالی پراز موفقیت و شادی آرزو میکنیم!



فعالین کارگری جرمی مرتکب نشده اند، از حق خود دفاع کرده اند. احکام زندانی کردن فعالین کارگری باید بدون قید و شرط لغو گردد. به کمپین دفاع از فعالین کارگری بپیوندید!



زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

خوشخدمتی به حساب ما موقوف!

از ص ۱

بورژوازی افشا میشود. اما ظاهر این "نومکرات" را یکسال ما از بس به بد نام کردن و لجنمال کردن رفقای سابقش مشغول است که نمیرسد سر بلند کند و افتضاحات دوستاش و اربابانشرا ببیند. یا شاید فکر میکند به "همکاری" شان با این احزاب "سکولار" بر میخورد!

نه، دوست سابق! امپریالیسم ظرفیتی برای دمکراسی ندارد. به جان مارگارت تاچر که نگذاشت پیونش "قهروان دمکراسی" به دانشگاه سپرده شود، و از بوریس یلتسین قلندر در به توپ بستن پارلمان روسیه حمایت کرد، این رهبران امپریالیست جهان هستند که تعیین میکنند یک من دمکراسی چند من کره دارد! نه شمای که از هول حلیم این دمکراسی و بیمارگونه، به کمونیسم و دیکتاتوری پرولتاریا دهن کجی میکنید و تازه میخواهید میراث مبارزه کمونیستها را هم پشتوانه

خوشخدمتیهایان کنید. ما از همان سالها از لنین آموخته بودیم که ارزشهای نمکراتیک هم درگرو مبارزه کمونیستی کارگران است؛ درسی که شما انگار به فراموشی سپرده اید و میترسم برایتان گران تمام شود.

من، در یکی از داستانهای کوتاهی که اندکی بعد از جنبش مسلحانه 1968 نوشته ام و نسخه اش موجود است، از قول شخصیت اصلی داستان که اسماعیل شریفزاده است، نوشته ام که تشکیل حزب طبقاتی سراسری کارگری (و نه بازگشت به قالب کردی و "به ره" (جبهه) ی کردستانی) مشکل اصلی است. بنا بر این سند مکتوب هم باشد، تشکیل حزب کمونیستی و تکامل بعدی کمونیسم ما، در مسیر همان اهدافی بود که ما بنیانگذاران (سازماتی که شما بعدا پسوند کردستان را به آن اضافه کردید) در نظر داشتیم؛ نه عجز و لابه های شما برای تشکیل "به ره" (جبهه) کردستانی با یک حزب مفلوک بورژوازی، یا به قول خودتان، قرار گرفتن در "چپ مبارزات سیاسی" و به اصطلاح "نمکراتیک موجود!!! و مطلقا

ندیدن جنگ افروزی و جنایات امپریالیستها در بوغریبها و فلوچه ها و بصره و نصریه ها. یا با چشم باز دیدن اسید پاشی و حجاب و بوقوع پناهی اسلامیهستهای متحد دوستانتان اما جیک نزنن میدا به دیگر احزاب و جریانات "اپوزیسیون سکولار" کشور همسایه بر بخورد!!

این از دمکراسی خواهی جلیتانی! اما شما، که در هر سه بخش نوشته تان، سماجتی غریب برای بنام کردن رفقای سابقتان بکار میبرید (گویی این بخش اصلی ماموریت شما باشد) در این نوشته آخری مرا هم مورد لطف قرار داده اید. گرچه ظاهرا در مورد من قافیه تنگ آورده اید و چون هیچ مورد مشخصی پیدا نکرده اید ناچار به این چنگ زده اید که من، گویا در صورت به زندان افتادن مجدد در سی و اندی سال پیش، به زعم کسانی نظیر شما، ممکن بوده تزلزل نشان دهم!! و این درحالیست که من در زندان سابق بر آن با مقاومت خود نه تنها خطرات موجود برای محفل آنوقت و رفقای در تماس را بر طرف کردم و هیچکس از جانب من دچار

مشکلی نشد، بلکه با فریب دادن بازجویان مخوف قزل قلعه، هم رفیق محمد حسین کریمی را داخل زندان و هم به کمک فاتح شیخ، رفقا را در خارج زندان از بخشهای مهم مفاد بزجویی آگاه کردم و به این ترتیب، کل جریانرا هم تا حد زیادی از خطرهای آتی حفظ کردم. اگر فراموش نکرده باشید، این کار من آنوقت مورد تحسین رفقا بود. در مورد فاتح شیخ هم حرفهایی را که چند سال پیش شخص جوبنی با اسم مستعار در همان سلیت شما عنوان کرد تکرار کرده اید که بیشتر شباهت یک محفل عقده ایست تا یک سازمان جدی سیاسی.

منظور از این لجن مالیها و یا نک و نال بعدیتان در مورد افشای پانزده سال پیش عبدالله مهدی، باید چراغ سبز دادن به نیروهای متحد حل و آینده تان باشد. اما یک سوال سمج اینجا جواب میخواهد: چرا پانزده سال صبر کردید تا از عبدالله مهدی دفاع کنید؟! این ظلم و ستم در مورد عبدالله پانزده سال پیش اتفاق افتاد. شما که از روز اول در جریان بودید چرا آنوقت یک سطر ننوشتید؟ چه چیزی در این پانزده

سال تغییر کرده است؟! جز اینکه دخالت نظامی و جنگ افروزی امپریالیسم بوش و متحدانش در منطقه جان تازه بی به کالبد ناسیونالیسم فاسد و غرق در جنگ "داخلی" آنوقت نمیده و کمونیسم را، به زعم شما، از مد انداخته است؟! و شما با چنین روشهایی میخواهید مثلا بین جانیان جایی پیدا کنید؟! زهی تأسف!

شما که حالا روی اسب برنده شرط بندی کرده اید آیا هیچ به این ریسک فکر کرده اید که اسبستان بازنده شود؟ صدای چه گوارا را از بولیوی میشوند؟ در منطقه شما هم معادلات پیچیده بی در جریانتست. مطمئن نباشید که ستمگران عربده جو در تاخت و تاز خود چنان موفق باشند که وقتی فلنگ را میبندند، نظیر مورد ویتنام و مشخصا سایگون، "متحدان" دستپاچه شان را آویزان به هلیکوپترهای فراری نبینیم.

دسامبر 2005
مصلح ریور

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست: به کارگران شرکت واحد تهران

خواستنه های برحقان بر جای خود باقی است، دبیر سندیکایان هنوز در زندان است، اعتصابتان را ادامه دهید

میدانیم که تعرض رژیم به حقوق هر کارگر و هر شهروند تعرض به حقوق اجتماعی و انسانی کلیه شهروندان جامعه است. لازمه مقابله با آن اتحاد و همبستگی مبارزاتی یکپارچه در مقابل این سرکوبگری و تهدیدات و تعرض به حقوق شهروندان جامعه است. حمایت قاطع از مبارزات شما کارگران شرکت واحد جزو لاینفک این اتحاد مبارزاتی است.

زنده باد مبارزه و اعتصاب کارگران شرکت واحد تهران

زنده باد همبستگی کارگری و انسانی

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۲۶-۱۲-۲۰۰۵ - ۱۳۸۴

سریع جنبید و با تکا به اتحاد و توان نیرومندی که نیروز تجربه شد اعلام کنیم این اعتصاب تا بازگشایی سندیکا و آزادی دبیر آن سالو و تحقق دیگر خواسته های فوری ادامه دارد. روز یکشنبه تنها پرده اول از یک اعتصاب بزرگ کارگری و بیاد ماندنی در ایران بود. شما کارگران شرکت واحد عزم کردید، اعتصاب خود را اعلام نمودید و آتراه اجرا گذاشتید. با حفظ این عزم و اراده غالب آمن بر پیچیدگی های سر راه و تداوم اعتصاب و تحت فشار گذاشتن رژیم تهارا موثری است که در مقابل شما کارگران شرکت واحد قرار دارد.

در تداوم این اعتصاب و مبارزه شما کارگران شرکت واحد تنها نیستید. روز اول اعتصاب شما با حمایت گسترده ای در داخل و خارج کشور روبرو بود. انعکاس وسیعی در رسانه ها داشت و حقیقتا پیکره این رژیم رابه لرزه در آورد و تازه این آغاز راه اعلام همبستگی ها و پیوسته ها و حمایت های عظیم از اعتصاب بزرگ شما بود. نیروی بزرگ این حمایت گسترده در تداوم اعتصاب در کنار شما خواهد بود. نیروی بزرگ اتحاد و مبارزه مان را به رسمیت بشناسیم. کارگران و ما و مردم مبارز

رسمی و تضمین نشده شهردار تهران قالیباف نه تنها جوابی به خواسته های شما نیست، بلکه واضح است مانوری برای مقابله با اعتصاب و مطالبات شما است. میخواهند اتحادتان را برهم بزنند. دبیر سندیکایان منصور سالو را تنها و لیزوله در زندان نگه دارند. سندیکایان تعطیل باقی بماند و به دیگر خواسته هایان اعتیالی نکنند. با چشمان باز این توطئه ها و ترفندها را خنثی کنید. در نتیجه مطالبات برحق شما کارگران شرکت واحد بر سر جای خود باقیست. رژیم اسلامی سرمایه داران با ترفندهای متعدد برای تنها نگه داشتن دبیر سندیکا در زندان و متوقف کردن این اعتصاب اقدام کرده است. چنین پیدا است که توانسته اند وقعه ای را بر اعتصاب قدرتمند شما تحمیل کنند. اخبار حکایت از این دارد که در میان موجی از نارضایتی از امروز، دوشنبه، رانندگان کار بر سر کار حاضر شده اند.

دوستان کارگر

هنوز فرصت هست نگذاریم این وقعه تحمیلی به پایان اعتصاب منجر شود. هنوز دیر نشده که اعلام کنیم این نه پایان اعتصاب است و نه شکست و یا پیروزی آن. هنوز میتوان

دوستان کارگر!

اعتصاب شما کارگران و رانندگان شرکت واحد اتوبوسرانی پاسخی حق طلبانه و انسانی به بی حقوقی محضی است که به این بخش کارگری تحمیل شده است. دستگیری اعضای رهبری سندیکای شرکت واحد و بستن دفتر سندیکا تعرض گستاخانه دولت به شما کارگران و تلاش برای محروم کردنشان از حق شکل و اتحاد کارگری است. اعتصاب دیروز شما تا همین جا تحرک درخشانی در جنبش کارگری بود. و همه میدانیم آزادی هفت نفر از اعضای هیئت مدیره سندیکایان نتیجه مستقیم فشار این اعتصاب بود. میدانیم که بعد از ظهر روز یکشنبه را شما کارگران اعتصابی شرکت واحد صرف دست و پنجه نرم کردن با انواع تهدیدات و دسیسه های مقامات رنگارنگ جمهوری اسلامی کردید. "مذاکرات" تا آخرین ساعات شب در چند مورد میان شهرداری تهران و مسئولان شرکت واحد از یک طرف و اجتماعات شما رانندگان اعتصابی و نمایندگان سندیکا از طرف دیگر به تحقق خواسته های شما منجر نشده است. وعده های توخالی، شفاهی، غیر

تماس با ما:

دبیر کمیته کردستان:

h_moradbiegi@yahoo.com

Tel:0046762737560

سردبیر:

sharifi_abdollah@yahoo.com

Tel: 00467365226

دستیار سردبیر: اسماعیل ویسی

esmail.waisi@gmail.com

به حزب کمونیست کارگری - حکمتیست پیوندید!